

انفجار در کارخانه کربنات سدیم کاوه، گوشه‌ای از جنایات سرمایه‌داران



داس مرگ سرمایه‌داران نه تنها جان کارگران را با بهره‌کشی درو می‌کند، بلکه با حادثه در محل کار، مرگ همگانی می‌باراند. ساعتی نیست که خبر از مرگ کارگر در محل کار نیاید. سرمایه‌داران و حکومت آنها مسئولیت این رخدادهای مرگ‌آور و زندگی‌سوز را به عهده دارند. زیرا که آنها کوچکترین ارزشی برای جان و زندگی کارگر و خانواده‌های کارگری قایل نمی‌شوند. کارفرما مسئول است که کارگر را برای کار در محل کار آموزش دهد، دستگاه‌ها، مواد و ابزار کار و پیش‌گیری از حادثه و اقدامات اولیه هنگام حادثه، تهیه نصب نقشه و راه‌های خروج اضطراری محل کار، راه‌ها و درهای اضطراری هنگام بروز حادثه، آموزش کار با دستگاه‌ها، خاموش کردن آتش تا رسیدن کمک، برخورداری از کلاه حفاظتی، لباس کار مناسب، دستکش و کفش مخصوص، معاینه‌های دوره‌ای، مرخصی‌های ضروری مناسب با نوع کار و با پرداخت دستمزدها و... اما سرمایه‌داران به سود هرچه بیشتر تنها به مالکیت مقدس خود می‌اندیشند.

انفجار کارخانه کربنات سدیم فیروزآباد شیراز تنها یک مورد از صدها مورد مرگبار حادثه کار در ایران است.

ساعت نزدیک به ۴ بعد از ظهر دوشنبه ۲۳ خرداد، افزون به هفتصد کارگر از دوهزار کارگر شیفی، در تابستان داغ دشت فیروز آباد برای سرمایه‌داران سود تولید می‌کردند که کارخانه کربنات سدیم در دشت کنار سیاه، با انفجار و آتش و گازهای سیم آمونیاک و اکسید کربن، با مسئولیت سرمایه‌داران گرد باد شد تا جان‌های عزیز کارگران درو شود. گازهای سمی و آتش، جاده‌های جم و شیراز را فراگرفت و پیش رفت و هوای شهر را حتا با گازهای سمی مسموم‌تر کرد. روز دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ خبرگزاری‌ها از ترکیدن لوله اتصال به مخزن و نشت گاز از مخزن آمونیاک و آتش سوزی یکی از مخازن نیتروژن در شهرستان فیروزآباد، در نزدیکی ۱۰۰ کیلومتری شیراز خبر دادند. فاجعه در حالی رخ داد که کارخانه کربنات سدیم فیروزآباد از آذرماه سال ۱۳۹۹ با گنجایش ۳۲۰ هزار تن در سال آغاز به کار کرده بود و تنها کمتر از دو سال از راه‌اندازی آن می‌گذشت. اعلام شده که شرکت کربنات سدیم تولیدکننده مواد اولیه در صنایع آرایشی بهداشتی و نساجی و دباغی، صنایع غذایی، کاغذ و شیمیایی بوده است.

با انفجار و فرار بسیاری از کارگرانی که در مرکز انفجار نبودند، جاده‌ها بسته شدند، گزارش هر خبری ممنوع شد، زیرا که مسئولین فاجعه نمی‌خواستند با حضور خانواده‌های خشمگین کارگری و اعتراض‌های نمونه ساختمان متروپل خاتم‌الانبیایی سپاه و شمخانی‌ها در آبادان در فیروزآباد و فراشبند تکرار شود.

امنیتی‌ها و نیروهای مسلح، هم کارخانه را محاصره کردند و هم خبررسانی را. مدیریت بحران استانداری فارس (خلیل عبدالهی) برای جلوگیری از انتشار واقعی خبر حادثه‌ای چنین هولناک، به جعلیات و دروغ پرداخت. این کارگزار حکومتی اعلام کرد: نشتی مخزن کارخانه کربنات سدیم در فیروزآباد فارس، پنج مصدوم داشت! مسئولین بیمارستان‌ها شمار مصدومان را ۱۳۳ تن اعلام کردند. که بیشتر آنها به آسیب‌های شدید و مرگ‌آور تنفسی و ریوی دچار شده و با مرگ دست به گریبان بودند.

سخن و درز خبر از جانباختن کارگران، ممنوع و منطقه به شدت در کنترل نیروهای امنیتی و مسلح است. این فاجعه تنها یکی از هزاران رخدادهای مرگ‌آوری است که شبانه روز بر سر کارگران مرگ

می‌بارد، در ایران، در قطر، در بنگلادش و هندوستان. شمار حانباختگان بستگی دارد به مبارزه کارگران برای اجبار و تعهدکارفرمایان به برقراری ایمنی محل کار. در سرزمین‌هایی که قلمرو برده‌داران است، مانند ایران و بنگلادش کوچکترین، ایمنی محل کار و تعد دولت و کارفرما، شوخی تلخی است.

همین هفته ی گذشته بود که از جان باختن دست کم ۴۹ کارگر از جمله ۹ کارگر آتش نشانی پی آتش سوزی و انفجار در انبار کانتینر شرکت BM در جنوب شرقی بنگلادش. در ۱۸ تیر ۱۴۰۰ در پی آتش سوزی در یک کارخانه تولید مواد غذایی در نزدیکی داکا، پایتخت بنگلادش، حداقل ۵۲ نفر جان خود را از دست داده‌اند. بنگلادش قربانگاه کارگران ارزان و خاموش و کارخانه تولید طلای ناب برای سرمایه‌داران.

خبرها غمبارند، و پی در پی از مرگ کارگر خبر می‌دهند: کارگر ساختمانی که هفته گذشته بر اثر سقوط از ارتفاع طبقه سوم ساختمان به شدت زخمی شده بود، صبح امروز در بیمارستان جان باخت.. یک کارگر ساختمانی روز گذشته (۱۰ تیرماه) در حین کار به دلیل ریزش آوار جان باخت. این کارگر ساختمانی ۶۳ ساله که در حال کار بر یکی از ساختمان‌های نیمه کاره در ماهدشت کرج بود، به دلیل سقوط دیوار زیر آوار مانده بود.. در عسلویه از مرگ یکی از کارگران پیمانکاری پتروشیمی بوشهر بر اثر اصابت سازه فلزی به سرش خبر گرفتیم. «عباس منصوری» رد حال سودزایی برای سرمایه‌داران خاتم‌الانبیایی سپاه در انجام کار بر اثر برخورد یک سازه فلزی مشبک به سرش، جان خود را از دست داد.

این کارگر، بدون برخورداری از حق بیمه و با دو قرار داد استخدامی، به صورت پیمانی در یک شرکت پیمانکاری در پتروشیمی عسلویه مشغول کار بود که سازه فلزی مشبک «گریپینگ» از ارتفاع ۲۰ متری رها شده و روی سر کارگر فرود آمد.

گفته می‌شود که کارفرما، برای سود مافوق، در بیشتر پروژه‌ها به جای استفاده از بست‌های مخصوص برای بستن گریپینگ و نگهداشتن آن در ارتفاع، از سیم‌های مفتولی استفاده می‌کند.

به گفته‌ی «فرزانه مهدی‌زاده» مدیرکل دفتر معاینات بالینی سازمان پزشکی قانونی ایران، در سال ۱۴۰۰، نزدیک به ۲۸ هزار مورد حادثه و افزون بر سیصد و سی هزار مورد تصادف در پزشکی قانونی مورد بررسی قرار گرفته است. این ارقام، تنها قله‌ی کوه یخی را نشان می‌دهد که در دریای کشتار سرمایه، اجازه می‌یابد تا از خروجی سانسور و جعل و دروغ منتشر شود. این گزار از بیماری‌های ناشی از بیماری‌های شغلی و قابل پیشگیری نمی‌شود که سالها بعد با سرطان و سکته قلبی و از کارافتدگی و مرگ تدریجی رخ می‌دهند. آمارها هولناک تر از این‌هاست. در کارگاه‌ها، در دریاها، معادن، خیابان‌ها در میان جنگل کودکان کار و زنان کار، کارگران مهاجر بی شناسنامه و بی گذرنامه و بی حقوق، کارگران ساختمانی، افزون بر ۹۵ درصد از پنجاه میلیون نیروی کار بدون قراردادهای کار قانون سرمایه‌داران مستبد و سلاخ، مرگ می‌بارد، به همانگونه که گلوله بر سینه کولبران. علیه این جنایت باید کاری کرد، کاری کارستان، کاری کارگری، طبقاتی، جنبش، جنبشی سراسری و انقلاب کارگری.